

اسرارهای نماز: از تکبیرها تا تشهد و سلام

صورت نماز همه نمازگزاران یکسان است، اما سیرت آن تفاوت دارد، از این رو نمازگزاران متفاوت هستند چنان که از پیامبر (ص) روایت شده است: دو نفر از امت من به نماز می ایستند و رکوع و سجودشان یکی است، حال آن که تفاوت بین نمازشان برابر با فاصله آسمان و زمین است.



صورت نماز همه نمازگزاران یکسان است، اما سیرت آن تفاوت دارد، از این رو نمازگزاران متفاوت هستند چنان که از پیامبر (ص) روایت شده است: دو نفر از امت من به نماز می ایستند و رکوع و سجودشان یکی است، حال آن که تفاوت بین نمازشان برابر با فاصله آسمان و زمین است.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از بارزترین مصادیق و کامل ترین موارد لطف تام الهی ارمغان والای نماز است که در معراج نبوی با همه لوازم، مقدمات و مقارنات به بشر اعطا شد و آن را فلاح "حی علی الفلاح" خواند و از آن به بهترین عمل "حی علی خیرالعمل" یاد کرد.

امام صادق (ع) می فرماید: روزی امیرالمومنین نشسته بود و پسرش محمد با او بود به پسرش فرمود: ای محمد برای من ظرف آبی بیاور تا از آن وضو بگیرم، محمد آب آورد، حضرت با دست چپ آب بر دست راست ریخت و فرمود: "بسم الله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعلہ بخسا" پس به آن استنجا کرد و این دعا را خواند: "اللهم حصن فرجی و اعقه و استر عورتی و حرمني علی النار" بعد از آن آب را در دهان مضمضه کرد و فرمود: "اللهم لقنی حجتی یوم القاک و انطق لسانی" خدایا در روزی که تو را ملاقات می کنم، حجت و برهان قطعی به من القا کن و زبانم را بدان گویا گردان. آن گاه استنشاق کرد و آب را در بینی کشید و عرض: "اللهم لاتحرمني ریح الجنة" خدایا بوی بهشت را بر من حرام مفرما، و از جمله کسانی قرارم ده که بوی بهشت و نکهت پاک آن را می یابد. سپس حضرت حورت خود را شست و گفت: "اللهم بیض وجهی یوم تبیض وجوه، و تسود وجوه، ولا تسوه وجهی یوم تبیض وجوه و تسود وجوه" خدایا روزی که چهره هایی سفید و صورتهایی سیاه می شود، روی مرا سفید بگردان و صورتم را سیاه مدار در روزی که چهره هایی سفید و صورتهایی سیاه می شود.

آنگاه دست راست خود را شست و عرض کرد: "اللهم اعطنی کتابی بیمینی و الخلد فی الجنان بیساری" خدایا نامه کردارم را به دست راستم عطا فرما و برات جاودانه زیستن در بهشت را به دست چپم ده. سپس حضرت دست چپ را شست و گفت: "اللهم لاتعطنی کتابی بیساری، و لاتجعلها مغلوله الی عنقی، و اعوذبک من مقطعات النیران" خدایا نامه اعمالم را به دست چپم مده و به گردنم مبند و به تو پناه می برم از تکه پاره های آتش. آنگاه مسح بر سر کشید و عرض کرد: "اللهم غشنی برحمتک و برکاتک و عفوک" خدایا به رحمت و برکات و بخشایش خود مرا فرا بگیر. سپس بر دو پا مسح کشید و گفت: "اللهم ثبتنی علی الصراط، یوم تزلّ فیہ الاقدام، و اجعل سعیی فیما یرضیک علنی" خدایا روزی که پاها بر صراط می لغزد مرا ثابت قدم بدار، سعی و تلاش مرا در چیزی قرار بده که تو را خرسند می سازد.

آنگاه به محمد پسرش گفت: ای محمد هر کس مانند من وضو بگیرد و چون این اذکار را بخواند، خداوند در برابر هر قطره آب، برای او فرشته ای می آفریند که تقدیس و تسبیح و تکبیر گوید و ثواب آن را تا قیامت برای او می نویسد. هر کس در عمل با اخلاص به جانب خداوند رو کند، بدان دست می یازد و آن کس که دل خویش را تسلیم خدا کند، به او می رسد به گونه ای که از هر آلودگی و پلیدی پاک می گردد.

اسرار تکبیرهای نماز

امام رضا (ع) می فرماید: تکبیرهای اول نماز، از آن رو هفت عدد است که اصل نماز دو رکعت است و با هفت تکبیر گشوده می شود: تکبیر الاحرام، تکبیر رکوع، دو تکبیر سجده های رکعت اول، تکبیر رکوع رکعت دوم و دو تکبیر سجده های رکعت دوم، پس وقتی انسان در آغاز نمازش هفت تکبیر گفت و بعضی از تکبیرهای بین نماز را فراموش کرد و یا به طور کلی از آن ها غافل ماند عیبی به نمازش وارد نمی شود.

روح تکبیر، چیزی جز تسبیح و تنزیه نیست، زیرا معنای تکبیر این است، که خداوند برتر از آن است که به حس، تخیل، توهم و یا بع تعقل آید. چون او نه جسم است و نه چیزی که با جسم سر و کار داشته باشد. نیز خدا برتر از آن است که کسی بتواند حقیقت بی پایان او را به کشف و شهود بنگرد.

راز نیت

مراد از نیت در باب عبادات نیست، مانند این که نیت می کند نمازظهر یا عصر بخواند و یا نیت در باب معاملات مراد نیست. بلکه مراد از نیت در این جا، تنها خصوص «قصد قربت» و نزدیکی به خدای سبحان است. بنابراین نیت به معنای قصد نزدیکی به خداوند سبحان، روح عمل است، عمل با آن زنده می شود و بدون آن می میرد و پیداست که مرده هیچ اثری ندارد، عبادت با قصد تقرب صحیح می گردد و بدون آن باطل است. پایداری بر عمل تا به مرتبه اخلاق برسد، سخت تر از عمل است و عمل خالص آن است که نخواستی جز خدای عزوجل کسی تو را بر آن سپاس گوید، و نیت از این هم برتر است، بدان که نیت همان عمل است.

گواه دیگر بر اصالت نیت این است که هرگاه نیت تحقق یابد و توانمند باشد نماز، مناجات با خدا و معراج نماز گزار می شود، و هرگاه ناتوان گردد و نمازگزار از آن غافل ماند، نماز رنگ مناجات را از دست می دهد و نمازگزار استحقاق می یابد.

راز قرائت

در نماز دو رکعتی، و نیز دو رکعت اول نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی قرائت فاتحه الکتاب واجب است. قرائت از راز و نهانی دارد به اعتبار این که آنچه خوانده می شود (قرآن) دارای رازی است، پس تا وقتی قاری راز خواه نباشد، به راز قرائت نمی رسد و نیز به نهان قرآن دست نمی یابد و همچنان قرائت وی ناقص می ماند.

چون رعایت آداب نماز وسیله رسیدن به نهان آن است، نمازگذاری که آن را چون حضور قلب رعایت می کند، به راز نهان آن دست می یابد، و آن وجود خارجی عقلی است که بسی برتر از وجود مثلی است، چه رسد به وجود طبیعی، به ویژه وجود اعتباری که در جهان طبیعت تحقق می یابد. نمازی را که پیامبر در معراج به جای آورد، واجد همه ویژگی های نماز بود. نمازگزاری که حضور تام دارد، تنها کسی است که با پروردگارش به نجوا می ایستد و می گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم.

ویژگی بسم الله و رازهای سوره حمد

بسم الله در آغاز هر سوره، معنای مخصوصی دارد که با محتوای آن سوره هماهنگ است، و چون سوره حمد عهده دار معارف فراوانی است «؛بسم الله» در آغاز آن حاوی همه آن معارف است.

«؛حمد» قطعا در برابر نعمت است و نظام امکانی از معقول گرفته تا محسوس و از غیب تا شهود، همه نعمتهایی است که خداوند باری تعالی فرموده است. پس او مستحق ستایش است و جز او کسی این استحقاق را ندارد و چون غیر خداوند وجود حقیقی ندارد زیرا همه ما سوی الله، نشانه ها و مخلوق او هستیم، پس او بر هر چه از غیر او صادر می شود مالک مستقل است، یعنی ستایش که از غیر خدا، پس ستایشگری غیر خدا وجود ندارد، یعنی او هم ستایشگر است و هم ستایش شده.

قصد نمازگزار در سوره حمد از آوردن متکلم محل الغیر «؛نعبد» در صف سایر موجوداتی قرار دارد که خداوند را عبادت می کنند، زیرا خداوند تبارک و تعالی پروردگار جهانیان است که همه آن ها پروردگار واحد خویش را می پرستند. درباره اسراری که به سوره بر می گردد باید گفت چون نمازگذار اختیار دارد و می تواند به انتخاب خود هر سوره ای از قرآن به جز چهار سوره ای که سجده واجب دارند- در نماز بخواند.

راز و نهان تسبیحات اربعه

حدیثی در بیان راز چهار بخش بودن تسبیحات آمده و گفته شده که چهار بخش بودن واقعیتی خارجی است که عرش خداوند و آنچه پایین تر قرار دارد، همه بدان انتظام یافته اند، زیرا در سبب چهار گوشه بودن کعبه و بنای آن بر چهار دیوار آمده است که «؛بیت المعمور» در آسمان دارای چهار گوشه است، به علت این که عرش الهی چهار ضلع و چهار جهت دارد و چهار ضلعی بودن عرش بدان سبب است که تسبیح، چهار تاست یعنی همان تسبیحات اربعه نمازگزاری که با خدا مناجات می کند، وقتی در آغاز نماز به خدا پناه می برد از آنچه بندگان خالص از آن به خدا پناه می برند، دل او عرش خدای رحمان می گردد، زیرا عرش به شکل تسبیحات چهارگانه است. از این رو کسی که با قلب، تسبیح می گوید و خداوند را به خرد ناب تنزیه می کند و با او در خلوت به راز و نیاز می پردازد، به عرش پروردگار رسیده است.

در راز قیام رکوع، سجود، شهود و...

بر این پایه، ممکن است گفته شود راز و تاویل قیام عبارت است از اعلام آمادگی پیکار با دشمن با نیرویی که او را بترساند و ایستادگی در برابر هر بلای آشکار. زیرا نماز از چیزهایی است که می توان از آن در پدیده های سخت و ناراحتی های غمبار، کمک گرفت. حالت ایستادن (قیام) نیرومندتری حالت برای انسان است که می تواند برای دفاع یا حمله و هجوم تصمیم بگیرد. مانند حضور در پیشگاه خدا، فرمانبرداری از امر او، اظهار خواری در آستان او و منتظر فرمان او بودن به قیام تشبیه می کنند.

آنچه در بر پا داری نماز اهمیت دارد، این است که نمازگذار برای خدا بر پای ایستد، چیزی او را ناتوان نسازد و هیچ امری از امور او را بر زمین ننشاند. در جامع احادیث الشیعه جلد 5. صفحه 79 آمده که کسی در حال ایستاده پشت او راست نباشد، نمازش کامل نیست.

از جمله اموال نمایان گر خضوع، قنوت است، زیرا قنوت عبارت است از لابه، مویه، یعنی ترک محبت دنیا و توجه و اخلاص در برابر پروردگار جلیل، و چون خدای سبحان جواد است آرزومندانش را ناامید و گدایان درگاه خویش را مایوس نمی کند.

امام صادق(ع) فرمود: هیچ بنده ای دست به جانب خدای عزیز و غالب بالا نمی برد جز این که خداوند حیا می کند آن دست را خالی و پوچ برگرداند، از این رو آنچه می خواهد از فضل خویش در آن دست قرار می دهد.

بنابراین هرگاه یکی از شما دست به دعا برداشت پایین نیاورد جز این که به صورت خویش بکشد. این معنا غیر از ثمره ای است که از ذکرهای قنوت عاید بنده می شود. ذکرهایی که بیانگر التماس و لابه و بیچارگی عبد است و می فهماند که حالت خاکساری از بنده جدایی ناپذیر است و نمی تواند از چنین حالتی خراج گردد. مانند دعایی که در نماز وتر خوانده می شود.

درباره اهمیت قنوت که نمودی از یک راز تکوینی است و سبب همسانی راز تکوینی و نظام تشریع است حضرت حسین بن علی(ع) فرمود: از آن زمان که پسری شش ساله بودم می دیدم رسول خدا در همه نمازها قنوت می خواند.

آن حضرت به گونه ای بود که در همه نمازهای جدش حاضر می شد و فردی پاک، هوشمند، مراقب و حسابگر بوده همه چیز را زیر نظر داشت تا هر آنچه را جدش انجام می دهد برایش روشن شود؛ زیرا مردم مامورند احکام را از سنت و روش پیامبر (ص) اخذ کنند.

امام صادق(ع) نیز درباره اهمیت قنوت می فرماید هر کس عمداً قنوت را ترک گوید نماز نخوانده است، یعنی نمازش کامل نیست: زیرا هدف نماز هدایت به نظام تکوین است، یعنی پیروی کامل و هدایت فراگیر، و قنوتی که مظهر تام انقراض و بریدن از دنیا و پیوستن به پروردگار جلیل و لابه درگاه اوست، سبب کمال نماز است و آن گاه که ترک شود، نماز کمال برتر خویش را از دست داده است.

اصل تشهد در معراج به شکل کنونی درآمد، چون وقتی رسول خدا در نماز خواست به پا خیزد گفته شده ای محمد بنشین. پیامبر نشست، در این هنگام وحی آمد: ای محمد! چون نعمت خویش بر تو ارزانی داشتم نام مرا ببر. تاویل تشهد بنا برآن چه در روایت جابربود عبارت است از تجدید ایمان، بازگشت به اسلام، و اقرار به برانگیخته شدن پس از مرگ و تاویل گفتن درودها، گرامیداشت خدای سبحان و بزرگداشت اوست از آنچه ستمگران گفته اند و الحاد پیشگان وصف کرده اند.

بنابراین همان گونه که قرآن دارای تاویلی است که در روز قیامت خواهد آمد چنان که خداوند متعال به آن خبر داده- تشهد نیز دارای از خارجی و تاویل تکوینی است که در روز قیامت آن راز تجلی می نماید، زیرا در روز قیامت همه پرده ها بالا می رود و راز ها بر ملا می شود چنان که با گسترده شدن نظام حقیقی طومار نظام اعتباری در هم پیچیده می شود.

نحوه نشستن در حال تشهد کیفیتی استجابی است و آن "تورک" است و تورک یعنی بر نشیمن گاه و ران چپ نشستن و پای راست را بر کف پای چپ قرار دادن. تاویل این گونه نشستن در روایت در کتاب من لایحضره الفقیه آمده است: خدایا باطل را بمیران و حق را برپا دار زیرا قرار است مظهر حق و راستی و چپ کنایه از باطل و دروغ است. انسان مومن هر دو پایش مبارک و راست است چنان که دو دست او نیز خجسته و راست است.

برخاستن از سجده در رکعت دوم که تشهد دارد، باید همراه با نشستن باشد و سخنی در آن نیست. نشستن و آرام گرفتن در این حالت وقار نماز را نگه می دارد. بنابراین نشستن بعد از سجده دوم تاویلی دارد که هنگام ظهور واقعیت نماز (در قیامت) آشکار می گردد و آن روزی است که سفره اعتبار چون طومار در هم پیچیده می شود.

ذکر برخاستن و راز آن

ذکر در حالت برخاستن از سجود در هر رکعت عبارت است از "بحول الله تعالی و قوته اقوم و اقعد" به حرکت و توانایی خدای متعال بر می خیزیم و می نشینیم. خوب و بد و هر حرکت و توانی جز به دست خدا نیست (همه کارها را خدا انجام می دهد و انسان هیچ کاره است).

راز سلام

اصل "سلام" در شب معراج تمثل یافت. تاویل سلام، همان مورد رحمت قرار گرفتن از ناحیه خداوند است. در علل الشرایع است که از امام صادق(ع) درباره علت وجوب سلام در نماز سوال شد. فرمود: سلام موجب رها کردن نماز است. نمازگزار با اشاره به جانب راست سلام می دهد و به جانب چپ اشاره نمی کند؟ زیرا فرشته ای که نیکی ها را می انگارد به طرف راست گمارده شده و فرشته ای که بدی ها را می نویسد به جانب چپ است و نماز از نیکی ها است، از این رو سلام نماز به جانب راست داد، می شود نه چپ. در سلام باید "السلام علیکم" گفته شود، زیرا سلام به صورت جمع است هم به فرشته طرف راست و هم به فرشته طرف چپ.

روشن شد که تاویل سلام نماز همان کسب رحمت الهی و امان از آتش است و ورود به نماز با حرمت سخن آدمی گفتن شروع می شود و خارج شدن از نماز با حلیت سخن گفتن تحقق می یابد.